



ضرورت وجود شعور نبوی برای سامان یافتن اجتماع بشری از نظر علامه طباطبائی

براساس نظر علامه طباطبائی، عقل و تفکرات بشر از برطرف کردن اختلافات و تصادم‌هایی که افراد انسانی در رأی و عمل با هم پیدا می‌کنند، ناتوان است و منبع وحی و شعور نبوی است که راهگشای بسیاری از مشکلات بشر است.

براساس نظر علامه طباطبائی، عقل و تفکرات بشر از برطرف کردن اختلافات و تصادم‌هایی که افراد انسانی در رأی و عمل با هم پیدا می‌کنند، ناتوان است و منبع وحی و شعور نبوی است که راهگشای بسیاری از مشکلات بشر است.

رضا محمدزاده، عضو هیئت علمی گروه فلسفه دانشگاه امام صادق(ع)، در گفت‌وگو با خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا)، با اشاره به نکته‌ای که از سوی علامه طباطبائی در جلد دوم تفسیر المیزان و در صفحات 156 به بعد چاپ عربی آن مطرح شده است، عنوان کرد: علامه طباطبائی در این جا اندیشه و تفکر عقلانی بشر را برای غلبه بر اختلافات فردی و اجتماعی کافی نمی‌داند و از ضرورت وجود منبعی فراتر برای حل معضلات و مشکلات عرصه زیست انسانی سخن گفته است.

محمدزاده این سخن را سخن بسیار مهمی دانست و افزود: ممکن است کسی فکر کند که اختلافات را می‌توان با تفکر و تعقل، یعنی با استفاده از قوای فکری‌ای که در اختیار داریم، حل کرد. اما علامه طباطبائی در مبحث عمیقی که در این جا مطرح کرده، اشاره کرده است که انسان از دو بعد تشکیل شده است؛ یک بعد جسمانی و مادی که در این بعد، در نهایت، تفاوت‌چندانی با دیگر موجودات مادی ندارد و تقریباً شبیه موجودات دیگر است، اما انسان بعد دیگری نیز دارد که همان بعد روحانی او و تفاوتش با سایر موجودات است.

وی بیان کرد: بعضی از خصلت‌هایی که به انسان‌ها نسبت داده می‌شود، از جهت وجود چنین بعدی در وجود انسان است و البته از جمله ویژگی‌هایی که با بعد روحانی انسان مرتبط است، تفکر و تعقل است، اما نکته جالب توجه این جاست که علامه طباطبائی از تغییراتی در بعد روحانی انسان سخن می‌گوید، اما معتقد است که علیرغم این که بعد روحانی انسان تغییر می‌کند، سنخ تغییرات و تحولات آن مانند آن چه در بدن و بعد مادی وجود انسان اتفاق می‌افتد، نیست و از همین روی است که ما در بخشی از یافته‌های فکری و عقلی خود دچار تغییرات بنیادین نمی‌شویم.

عضو هیئت علمی گروه فلسفه دانشگاه امام صادق(ع) افزود: علامه طباطبائی تحولات بعد روحانی بشر را تحولی می‌داند که در صورت روی دادن در شکل و قالب تحولی تمدنی و در بستر زمان، از ضعف به کمال و از نقص به تمامیت، اتفاق می‌افتد. در این نگاه، انسان‌ها موجوداتی هستند که در مسیر این تحولات قرار گرفته‌اند و به بهره‌های بیشتری از کمالات علمی و معرفتی دست پیدا کرده‌اند.

علامه طباطبائی تحولات بعد روحانی بشر را تحولی می‌داند که در صورت روی دادن در شکل و قالب تحولی تمدنی و در بستر زمان، از ضعف به کمال و از نقص به تمامیت، اتفاق می‌افتد. در این نگاه، انسان‌ها موجوداتی هستند که در مسیر این تحولات قرار گرفته‌اند و به بهره‌های بیشتری از کمالات علمی و معرفتی دست پیدا کرده‌اند.

محمدزاده با اشاره به ادامه سخنان علامه طباطبائی در این زمینه، گفت: براساس بحث علامه با وجود این که کمال انسان در تفکر و اندیشه است، این امر نشان نمی‌دهد که انسان‌ها از منابع الهی که از وحی سرچشمه می‌گیرد، بی‌نیازند. ایشان بیان می‌کنند علیرغم این که انسان‌ها دارای تعقل و تفکر هستند و همین تعقل و تفکر نیز جایگاه ویژه‌ای را برای آن‌ها در عالم هستی به وجود آورده و فلسفه و راز و رمز خلقت آن‌ها را تشکیل می‌دهد - چرا که سطوح آگاهی و معرفت انسان‌ها نسبت به سایر موجودات مراتب متعالی‌تری را طی می‌کند که سایر موجودات و حتی فرشتگان نیز گاهی در مقایسه با بعضی از انسان‌ها به برخی از این مراتب نمی‌رسند - اما این عقل و این تفکرات بشر معمولی هیچ گاه نمی‌تواند تأمین‌کننده همه نیازهای انسان باشد.

وی در تشریح رأی علامه طباطبائی مبنی بر این که تفکر و اندیشه نمی‌تواند اختلاف میان انسان‌ها را برطرف کند، اظهار کرد: یکی از ویژگی‌های زندگی اجتماعی این است که افراد در کنار همدیگر به هر حال، تصادم‌ها و اختلاف‌هایی در رأی و عمل با همدیگر پیدا می‌کنند و به صرف تکیه بر اندیشه و تفکر عقلانی نمی‌توانید این اختلافات اجتماعی را برطرف کنید. اگر به تاریخ تمدن و فرهنگ بشر نگاهی بیندازیم، علیرغم این که خود انسان‌ها معتقدند که در طول تاریخ پیشرفت زیادی کرده‌اند و امروز نیز پیشرفت‌های علمی، فرهنگی و عقلی فراوانی صورت گرفته و انسان، کمال و رشد قابل توجهی یافته است، اما هنوز که هنوز است، جوامعی که خود را جوامع فرهنگی و صاحب آگاهی و شعور و تفکر و اندیشه می‌دانند، در مرحله زیست اجتماعی خود مشکلات فراوانی دارند.

رئیس دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه امام صادق(ع) افزود: يك نگاه بسیار ساده به زندگی انسان‌ها در همین دنیای فعلی به ما نشان می‌دهد که علیرغم این که انسان‌ها بسیاری از اصول را پذیرفته‌اند، اما در استنتاجاتشان با هم اختلاف زیادی دارند و از همین مسیر با مشکلات عجیب و عذیبه‌ای روبرو می‌شوند، به شکلی که گاه می‌توان این مشکلات را با مشکلاتی که انسان‌ها در هزار یا 500 سال پیش داشته‌اند و جنگ‌ها و ظلم‌هایی که بشر در دوران‌های گذشته با آن مواجه بوده، مقایسه کرد و حتی در بعضی موارد گفت بشر امروز همان کارهایی را انجام می‌دهد که بشر 500 سال پیش انجام داده است.

این محقق و پژوهشگر حوزه دین و فلسفه بیان کرد: علامه طباطبایی معتقد است انسان با این تفکر و تعقل و شعور عقلانی به تنهایی راه به جایی نمی‌برد و ما به چیزی فراتر از این نیاز داریم؛ ما به شعوری فراتر، به منبعی فراتر نیاز داریم که آن منبع، از لحاظ معرفتی در جایگاهی قرار داشته باشد که بتواند بسیاری از مشکلات بشر را برطرف کند. ایشان معتقدند این منبع همان وحی و منبعی است که شعور نبوی بر آن مبتنی است.

محمدزاده افزود: اختلاف در میان انسان‌ها واقعیتی است که در طول تاریخ و از زمانی که بشر پا به عرصه وجود گذاشته است، وجود داشته و خداوند به خاطر همین مطلب و همین نکته، مضامین وحی را بر انسان‌ها نازل کرده است و علامه طباطبایی به عنوان یکی از افراد شاخص در حوزه عقل‌گرایی اسلامی در تفسیر خود بر بخشی از آیات قرآن، درباره جایگاه شعور نبوی مبتنی بر وحی، آن را امری ضروری برای سامان یافتن زیست اجتماعی انسان‌ها و پیشرفت در این عرصه دانسته است.